

اشغال قطور و اقدامات میرزا جعفر خان مشیرالدوله (۱۲۶۵-۱۲۶۸ق)

(براساس اسناد منتشر نشده)

نصرالله صالحی

استادیار گروه مطالعات اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان

تاریخ دریافت: (۱۳۹۸/۰۸/۲۱) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۸/۰۴/۳۱)

The Occupation of Qotur and Mirza Ja'far Khan Moshir al-Dawlah's Actions (1849-1852) (According to Unpublished Documents)

Nasrollah Salehi

Assistant Professor of Department of Social Studies, Farhangian University

Received: (2019/07/22)

Accepted: (2019/11/12)

چکیده

The long history of Iran-Ottoman relations witnesses various conflicts and the conclusion of numerous treaties. The second Erzrum agreement was concluded on June 1, 1847 between the two countries. Based on the third article of the treaty, a common commission of four countries should be found and set up delimitation between the two countries with field investigation. The Ottoman delegation, headed by Darwîsh Pasha, on the way to the mission to join the commission, before reaching Baghdad, raided the Iranian realm and occupied Qotur. Firstly Iran condemned Darwîsh Pasha's actions and wanted mediators to take responsibility for the elimination of aggression. Occupation of Qotur headed exactly thirty years, and eventually the Berlin Congress confirmed Iran's legitimacy, and the Ottoman government was forced to return Qotur to Iran. About the occupation of Qotur and especially the actions of Mirza Ja'far Khan Moshir al-Dawlah during the three years of delimitation mission, no independent research has been carried out yet. The present study, with the historical method and descriptive-analytical approach, relying on the unpublished documents of the Ministry of Foreign Affairs answer the following questions: What was the Qoturs position and strategical significance? Why was this area occupied by the Ottoman Empire on the eve of the formation of delimitation commission? What was the Iran's politicians' actions, especially Mirza Ja'far khan Moshir al-Dawlah, as Iranian delegate to the delimitation commission against the occupation of Qotur.

The findings of the study show that the three-yearly actions of Moshir al-Dawlah (1265-1268 AH) led mediators to repeatedly condemn occupation of Qotur and endorse Iran's legitimacy. In fact, Moshir al-Dawlah's actions became the basis for Iranian diplomats in the following decades to be able to raise the issue of Qotur's occupation in the international community and to take action to retake it. Measures that eventually resulted in the extradition of Qotur after thirty years.

Key Words: Qotur, Ottoman, Iran, Delimitation, Mirza Ja'far Khan Moshir al-Dawlah, Darwîsh Pasha

روابط دیرینای ایران و عثمانی توأم با جنگ و صلح بود. بنا به ماده سوم عهدنامه دوم ارزنه الروم (۱۲۶۳جمادی الثانی ۱۲۶۳) باید کمیسیون مشترکی با حضور نمایندگان چهار دولت تشکیل می‌شد. درویش‌پاشا، نماینده عثمانی، پیش از رسیدن به محل تشکیل کمیسیون در بغداد، دره قطور را تصرف کرد. این اقدام تجاوز‌کارانه، تبدیل به مناقشه‌ای مهم بین دو کشور شد. ایران با محکومیت این اقدام از نمایندگان واسطه خواست تا نسبت به رفع تجاوز عثمانی عمل کنند. اشغال قطور سی سال (۱۲۹۵ق.)، به طول انجامید و سرانجام کنگره برلین بر حقایق ایران صحه گذاشت و دولت عثمانی مجبور به بازپس‌دادن قطور به ایران شد.

دریاره اشغال قطور و اقدامات میرزا جعفر خان مشیرالدوله در طول مأموریت تحدید حدود، هنوز بررسی مستقلی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با روش تاریخی و رویکرد توصیفی- تحلیلی، با اتکا به اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: قطور دارای چه موقعیت و اهمیت راهبردی بود؟ چرا این منطقه از سوی عثمانی اشغال شد؟ دولتمردان ایران بهویژه میرزا جعفر خان به عنوان نماینده ایران در کمیسیون تحدید حدود در قبال اشغال قطور دست به چه اقداماتی زدند؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اقدامات سه ساله مشیرالدوله (۱۲۶۸ق.) موجب شدن نمایندگان دولت‌های واسطه بارها اشغال قطور را محکوم کرده و بر حقایق ایران صحه بگذارند. در واقع، اقدامات مشیرالدوله پایه و اساسی شد برای دولتمردان دستگاه دیپلماسی ایران در دهه‌های بعد که بتوانند موضوع اشغال قطور را در مجامع بین‌المللی طرح و برای بازپس‌گیری آن اقدام کنند. اقداماتی که سرانجام بعد از سی سال با استرداد قطور به ثمر نشست.

کلیدواژه‌ها: قطور، تحدید حدود ایران و عثمانی، میرزا جعفر خان

مشیرالدوله، درویش‌پاشا.

* Corresponding Author: salehi.nasr@gmail.com

۱. مقدمه

بازپس داده شد.

درخصوص مسئله اشغال قطور و اقدامات سیاسی و دیپلماتیک ایران، بهویژه در سال‌های نخست شکل‌گیری مناقشه مزبور هنوز پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. پژوهش حاضر می‌کوشد با اتكا به اسناد، بهویژه اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه، اقدامات دولتمردان ایران بهویژه میرزا جعفرخان مشیرالدوله درخصوص اشغال قطور را بررسی و به این پرسش‌ها پاسخ دهد: قطور دارای چه موقعیت و اهمیت راهبردی بود؟ چرا این منطقه در آستانه تشکیل کمیسیون تحديد حدود، از سوی عثمانی اشغال شد؟ دولتمردان ایران، بهویژه میرزا جعفرخان مشیرالدوله، به عنوان نماینده ایران در کمیسیون تحديد حدود در قبال اشغال قطور دست به چه اقداماتی زندن؟

۲. پیشینه پژوهش

درباره موضوع اشغال قطور تاکنون سه مقاله به فارسی و دو مقاله به ترکی منتشر شده است. افسانه منفرد در مقاله «کنگره برلین و مسئله بازپس‌گیری قطور» و مسعود مرادی در مقاله «دفاع از منافع ایران در کنگره برلن ۱۸۷۸»، کانون توجه خود را بر موضوع دفاع ایران در کنگره برلین از حق حاکیمت خود بر قطور و نحوه بازپس‌گیری آن قرار داده‌اند؛ اما هیچ‌کدام، به مقوله اشغال قطور در فاصله زمانی ۱۲۶۵-۱۲۶۸ق و اقدامات ایران بهویژه میرزا جعفرخان مشیرالدوله نپرداخته‌اند. کیومرث فیضی و محسن بهرام نژاد در مقاله‌ای مشترک، با نام «جایگاه مرز قطور در روابط و مناسبات ایران و عثمانی»

روابط طولانی ایران و عثمانی در طول چند سده همواره با جنگ و صلح همراه بود. بروز برخی رویدادها در دوره محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق)، روابط دو دولت را به شدت تیره کرد و در آستانه جنگ قرارداد، اما با وساطت دو دولت روس و انگلیس، زمینه مذاکره میان دو دولت فراهم شد. کنفرانس ارزنه الروم با حضور نمایندگان چهار دولت در ۱۲۵۹ق تشکیل شد و با انعقاد عهدنامه دوم ارزنه الروم در ۱۲۶۳ق / ۱۸۴۷ژوئن یافت. به موجب ماده سوم معاہدة مذکور، مقرر شده بود کمیسیونی مرکب از نمایندگان چهار دولت برای تحديد حدود ایران و عثمانی از محمره / خرمشهر تا آغرسی داغ / آرارت تشکیل شود. نمایندگان چهار دولت می‌بايست در بغداد گردآیند و از آنجا راهی محمره شوند. رؤسای هیئت‌های نمایندگی دو کشور روس و انگلیس، سرهنگ چریکف و سرهنگ ویلیامز بودند. میرزا جعفرخان مشیرالدوله از ایران و درویش‌پاشا از عثمانی این وظیفه را بر عهده داشتند. نمایندگان سه دولت برای حضور در کمیسیون، به موقع خود را به بغداد رساندند، اما نماینده عثمانی، درویش‌پاشا، با تأخیر وارد شد. او در مسیر مأموریت، راهی وان شد و با تجاوز به قلمرو ایران منطقه قطور را به اشغال درآورد و علامت‌هایی در چند نقطه به نشانه حدود دو کشور نصب نمود و سپس راهی بغداد شد. این اقدام تجاوز‌کارانه، سرآغاز مناقشه‌ای سی ساله میان دو دولت ایران و عثمانی شد. سرانجام کنگره برلین بر حقانیت ایران صحه گذاشت و قطور بعد از سی سال به ایران

و موقعیت خوی و قطور بارها سخن رفته است. از جمله نظام‌الملک مرندی در لایحه‌ای که در کمیسیون مختلط استانبول، برای ترسیم و تبیین حدود ایران، مطابق با فصل سوم عهدنامه الرزنۀ الروم ارائه کرده «ایالت خوی» را مشتمل بر «بلوکات سرحدیه قطور، آخرک، آباقا، قازلی‌گل، ماکو و توابع آن» دانسته است (نظام‌الملک، ۱۳۹۵: ۱۹۲). مشیرالدوله «بلوکات سرحدیه خوی» را با اندکی تفاوت عبارت از «محالات خمسۀ قطور و آخرک و آباقای و آواچق و ماکو» دانسته است (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۱). در این عبارت، از «قطور» به عنوان «بلوک» یاد شده است.

در منابع دیگر، محضر نمونه در دستورالعمل میرزا حسین‌خان سپهسالار به میرزا محبعلی‌خان، از قطور زیر نام «بلوک»، «محال»، «ناحیه» و «درۀ» یاد شده است (نظام‌الملک، ۱۳۹۵: ۲۷۰-۲۷۵). مشیرالدوله در عبارتی هر دو تعبیر را با هم به کار برده است: بلوک قطور عبارت از درۀ‌ای است که به قریب هشت نه فرسخ طول از مغرب رو به مشرق افتاده رودخانۀ مشهور قطور که مدار شهر خوی و جولگۀ آن غالباً با رودخانۀ مزبوره است، از میان آن درۀ به جولگۀ خوی جاری و بعد از گذشتن از مارکان و محالات دیگر منصب به رود ارس می‌شود (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۲).

نویسنده گمنام کتابچه مربوط به قطور^۲ در اشاره

۲. عنوان کتابچه چنین است: «ترجمۀ کتابچه ترکی‌العباره راجع به محال قطور و حدود کردستانست که در سال ۱۲۹۶ق به حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله که وزیر امور خارجه و سپهسالار دولت ابدمدت علیه قاهره بود تقدیم نموده شده است». متن این کتابچه در نظام‌الملک (۱۳۹۵) منتشر شده است.

مروری کلی بر موضوع اشغال قطور در فاصلۀ زمانی ۱۲۶۵ تا ۱۳۱۳ق داشته‌اند. در مقاله اخیر، با اینکه در سال ۱۳۹۷ منتشر شده، به منابع دست اول که در سال‌های اخیر به چاپ رسیده توجهی نشده است. از طرفی، در هر سه مقاله، منابع و پژوهش‌های منتشر شده در ترکیه مورد غفلت قرار گرفته است. از پژوهشگران ترک، صدقی اولوارلر^۱ در دو مقاله‌ای که در ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ منتشر کرده به موضوع قطور پرداخته است. هر دو نوشه، فاقد روح علمی است؛ زیرا تمام تلاش نویسنده معطوف به اثبات تعلق قطور به عثمانی است. سیاستی که دولت عثمانی و نماینده آن، درویش‌پاشا، به دنبال تحقق آن بودند، اما سی سال تلاش سیاسی و دیپلماتیک ایران به اثبات حقانیت ایران در کنگره برلین منجر شد.

۳. موقعیت جغرافیایی قطور

بخش قطور یکی از بخش‌های تابعه شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی در شمال غرب ایران است. این بخش در ۷۰ کیلومتری خوی و در ۸۸ کیلومتری شهر وانِ ترکیه واقع است. بخش قطور، از دیرباز در مسیر تجاری غرب به شرق بوده تا جایی که یکی از شاخه‌های راه ابریشم از این منطقه می‌گذشت. چنین موقعیت تجاری موجب شد تا ایران و ترکیه در سال ۱۳۹۰ بازارچه و پایانه مرزی رازی را به طور رسمی افتتاح کنند و این امر زمینه گسترش رفت و آمد اتباع دو کشور و نیز مبادلات تجاری را هرچه بیشتر فراهم کرد.

در اسناد و منابع تاریخی دورۀ قاجار، از جایگاه

شده است. مشیرالدوله دره قطور را دارای سی و پنج دهکده نوشته و اسمای آنها را آوردہ است (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۸). درویش‌پاشا تعداد دهات قطور را هیجده مورد ذکر کرده است (درویش‌پاشا، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

۴. اهمیت راهبردی قطور

موقعیت جغرافیایی خوی و قطور به‌ویژه از حیث نزدیکی به مرزهای غربی و همچواری با عثمانی از اهمیت ویژه و خاصی برخوردار بود. پس از دوره شاه طهماسب این منطقه بارها از سوی عثمانی در معرض تجاوز و تصرف قرار گرفت. بعد از سقوط صفویه نیز تجاوز عثمانی در دوره‌های مختلف ادامه یافت. عباس میرزا با توجه به موقعیت نظامی و سوق‌الجیشی خوی، در ۱۲۲۷ق قلعه‌ای به «شیوه فرنگ» در کنار قلعه قدیم بنا کرد و خاکریز و خندقی بر گرد آن تعییه نمود (طاووسی مسروور و ساسان پور، ۱۳۹۰: ۵۰۸/۱۶). از دید عثمانی‌ها تسلط بر قطور و خوی می‌توانست راه را برای نفوذ و پیشروی در مناطق غربی ایران هموار کند. به تعبیر ریاحی «ناحیه زیبا و زرخیز و خوش آب و هوای قطور، از قدیم‌ترین زمان‌ها دروازه ایران به سوی باخته و مرز طبیعی میان ارمنستان و ایران شناخته می‌شد» این دروازه بارها معتبر ورود دشمنان خارجی به داخل ایران شد. چنان‌که «در ۲۷۰۰ سال پیش آشوری‌ها از همین راه به خوی حمله کردند» (ریاحی، ۱۳۷۸: ۳۵۰). بنابراین، دره قطور هم از نظر طبیعی دارای موقعیت ویژه و ممتاز بود و هم از نظر نظامی دارای موقعیتی حساس و تعیین‌کننده بود. میرزا حسن خان مهندس که در ایام اشغال قطور به طور مخفیانه از

به آن، از دو تعبیر «محال» و «دره» استفاده کرده است (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۴۰۴). در فصل پنجم دستورالعملی که برای میرزا محبعلی‌خان جهت استرداد قطور نوشته شده از دو تعبیر «محال» و «دره» استفاده شده است (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۲۷۴). اعتماد‌السلطنه تنها تعبیر «محال» به کار برده است (اعتماد‌السلطنه، ۱۳۶۴: ۱/۲۲۹۵).

موقعیت جغرافیایی قطور و داده‌های تاریخی مربوط به آن، به دو «قطور» اشاره دارند: یکی «دره قطور»، و دیگری «قصبة قطور» که یکی از دهات سی و پنج گانه دره یا محال قطور است. به نوشته مشیرالدوله که در ایام تحقیقات حدود، منطقه را از نزدیک دیده و توصیف کرده است، «قصبة قطور قریب یک فرسخ پایین‌تر از مبدأ، در جایی وسیع و مسطح و چمنی [است] که آب طرف گردنه قاشقول و آب دره طرف ساطمانیس و شرفخانه با هم قاتی می‌شوند» (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۴). اما موقعیت «دره» یا «محال» قطور مطابق با نوشته و نقشه «کتابچه ترکی العباره ...» به این شرح است:

دره قطور از منتهای طرف مغربی دشت خوی و از دامنه تپه معروف به نشان طاشی ... شروع می‌نماید. چون این دره از جریان رودخانه قطور به حصول آمده مثل سایر رودخانه‌ها، رودخانه مذکور هم به مرور سنگ‌های کوه را بریده مجرای تنگی برای خود ساخته و در هر دو طرف مجرای پرتگاه‌ها که از ارتفاع آنها از پانزده الی پنجاه متر به نظر می‌آید و بالای هر یکی از برای مدافعين یک قلعه طبیعی است، قرار داده به کمال سرعت و شدت جاری می‌شود (ناظم‌الملک، ۱۳۹۵: ۴۰۴).

تعداد و اسمی دهات قطور در منابع مختلف ذکر

ایران فاحش و غیرقابل اغماص است». علاوه بر آن، این دره تا «دو فرسخ و نیمی شهر خوی ممتد شده و قابل و محتمل است که از عشاير سرحدشين» که به قتل و غارت و سرقت و شرارت عادت کرده‌اند در «یک شب دو دفعه پياده به خيال سرقت يا غارت از دره مزبوره به شهر خوی رفته معاودت نمایند و کذلک از دره مزبوره به شهر تبریز که مرکز حکومت آذربایجان است اشقيای سواره می‌توانند در یک شب رفته و مراجعت کنند» (ناظرالملک، ۱۳۹۵: ۲۰۱). قطور بنا به موقعیت جغرافیایی و اهمیت راهبردی که داشت، به عنوان یک نقطه کانونی مهم و حساس مورد توجه دولت عثمانی بود. به همین دلیل نقشه اشغال آن در استانبول طراحی و اجرای آن بر عهده درویش‌پاشا گذاشته شد.

۵. اشغال قطور

بنا به توافق صورت گرفته میان چهار دولت، نمایندگان هر یک از دولت‌ها برای شرکت در کمیسیون مشترک تحديد حدود می‌بايست خود را به محمره برسانند. نمایندگان روس و انگلیس به موقع از استانبول راهی بغداد شدند تا راهی محمره شوند. مشیرالدوله در ربیع الاول ۱۲۶۵ عازم بغداد گردید و قبل از ورود سایر نمایندگان به آنجا رسید. نماینده عثمانی با تأخیر زیاد وارد بغداد شد. او بنا به دستوری که داشت^۱ در مسیر بغداد، راه خود را به طرف مرزهای دو کشور، در حد فاصل وان و خوی، کج کرده ناحیه قطور را که دارای اهمیت سوق-

این منطقه بازدید کرده، در بخشی از گزارش خود می‌نویسد: «با اینکه تمامت اراضی آنجا کوهستان و ارض مسطح آن بسیار اندک است، بخساً فاریاباً در کوهستان مذکور خوب زراعت می‌شود و تمامی آن جبال و تلال و سواحل رودخانه و انهر آنجا بیلاق و به مثابه یک قطعه زمرد سبز و خرم است (گزیده استناد سیاسی ... ۱۳۶۹: ۵۷۰/۱). وی در نامه دیگری به تفصیل به اهمیت راهبردی قطور، بهویژه از حیث انتقال قوا و ادوات نظامی از وان به آذربایجان، پرداخته است. از دید وی علت ساخت استحکامات و بنایهای مختلف از سوی عمال عثمانی در منطقه اشغالی قطور نه برای بهره‌برداری از «مدخل ملک قطور» بلکه برای این است که «اگر وقتی نزاع میان این دو دولت اتفاق بیفتند و عبور آنها از این دره به جهت اینجا بعد مسافت و سختی راه ممکن نشود به این جهت اینجا را متصرف شده این همه مخارج می‌کنند که راه آمد و شد آنها در وقت ضرورت باز و جلوگیری نداشته باشد. قطعاً مقصودشان این و خیالشان همین است». در ادامه، بازپس‌گیری قطور را ضمن امنیت آذربایجان دانسته می‌نویسد:

بر امنای دولت علیه لازم است که مهما امکن تا از قوهشان به فعل آید آنها را ازین دره بیرون کنند، زیرا که این دره به جهت ملک آذربایجان دروازه بسیار محکمی است (گزیده استناد سیاسی ... ۱۳۶۹: ۵۷۲/۱).

میرزا محبعلی خان نیز در بند هشتم لایحه‌ای که به کمیسیون مختلط استانبول ارایه کرده، درباره اهمیت نظامی و امنیتی دره قطور به نکات مهمی اشاره کرده و بر ضرورت استرداد آن به ایران پافشاری کرده است. از دید وی چون دره قطور «یک نقطه استراتژیک» است، «سوء تأثیرات آن در حق

۱. درباره دستور بابعالی به درویش‌پاشا درباره قطور، نک: آیکون، همان، زیرنویس ۲۴۶-۲۴۷.

نیز در روی کوه پیرزاده واقع در بین قریه استiran و قریه یزدکان که در نواحی هودر است «علامات فرعیه نصب و به واسطه نصب این سه علامت در این سه محل حدود قدیمه ناحیه مذکوره ... از ایرانیان استخلاص» شد (درویش‌پاشا، ۱۳۹۷: ۱۳۱).

درویش‌پاشا بعد از اشغال ناحیه قطور با ارسال نامه به حاکم خوی، محمد رحیم‌خان، نوشت: در کتب کتابخانهٔ محکمه علیه عثمانیه نظر کرده شده و ارکان دولت همه تحقیق نموده‌اند که قریه مزبوره مع توابعات آن از ملک و سرحدات وان است. علاوه بر این در سجلات محکمه کتاب وان صراحتاً نوشتند که قطور و محمودی و توابعات آن همه ملک مختص حدود بلده وان است. نظر به اینکه این مطالب صحیح بود مرا مأمور کردند که در هر سرحد سنور علامتی بنا کنم تا معلوم شود (گزیده استناد سیاسی...، ۱۳۶۹: ۲۱۴/۲).

درویش‌پاشا به جز این نامه، در چند بند از رساله تحدید حدود خود نیز مدعی تعلق قطور به عثمانی شد (درویش‌پاشا، ۱۳۹۷: ۱۲۸-۱۲۰).

اشغال قطور درست پیش از شروع مذاکرات چهارجانبه برای حل و فصل اختلافات دو دولت در مناطق مرزی، زنگ خطری جدی برای ایران و حتی نمایندگان دولتهای واسطه بود؛ زیرا نشان می‌داد طرف عثمانی، برخلاف دولت ایران که صادقانه برای مذاکره قدم پیش گذاشته بود، بیش از آنکه به دنبال گفتگو برای حل اختلافات باشد، به دنبال اعمال زور برای گرفتن امتیاز است. به اعتقاد گامازوفر، منشی چریکف، اشغال قطور در استانبول با اهداف مشخصی طراحی شد و درویش‌پاشا مأمور اجرای آن بود (اسکوفیلد، ۱۳۸۹: ۲۸۵)؛ بنابراین، اقدام درویش‌پاشا

الجیشی بود اشغال کرد.^۱ بنا به روایت مشیرالدوله «دولت فرصت‌جو و ابن‌الوقت عثمانیه به خیال اینکه ایام فترت و اول سلطنت^۲ و طغیان سالار نارستگار در سمت خراسان مایه مشغولیت دولت است [...] به درویش‌پاشا، وکیل خودشان، دستورالعمل دادند که از راه وان رفته بلوک قطور را که از جمله توابع خوی و موافق رموز و نکات لشکرکشی، و دریندی است که شایسته کمال اعتنا و مفتاح سایر جاهها است، بدون سند و دلیل و نص صریح قرارنامه بلکه به خلاف عهده‌نامه سلطان مرادی نیز ضبط و از تصرف مأموران این دولت متنزع نماید» (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۴۷-۴۸).

درویش‌پاشا، به دستیاری رشیدپاشا، مشیر عسکر سرحدیه شرقیه و قشون او درّه قطور را با ۳۵ قریه و نیز بلوک آخرورک را با تمامی دهات و متعلقات در غرب خوی اشغال کرد و با نصب علامت‌های اصلی و فرعی اقدام به تعیین سرحد دو دولت نمود (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۸۸)، از جمله یک قطعه ستون سنگ مرمر نصب و بر روی آن این جمله را حک نمود: «سرحد دولت علیه عثمانیه در ناحیه قطور، سنه ۱۲۶۵». همچنین بر روی کوه گوه عریضی که در سمت غربی شهر خوی که آلاطاغ نامیده می‌شود و

۱. برخی از پژوهشگران معاصر ترکیه به تأسی از دولت عثمانی و نماینده آن، درویش‌پاشا، همچنان قائل بر تعلق قطور به قلمرو عثمانی هستند، برای آگاهی از یکی از پژوهش‌های جدید، نک:

Sitki Uluerler, Osmanlı-iran Sınır Tespitî Tarişmalarında, Kotur'un (1849-1852), Turkish Studies, Vol. 10/5 Spring, 2015, p. 329-356.

ابراهیم آیکون نیز در پایان نامه خود از اقدام درویش‌پاشا با تعبیر «تعیین حدود قطور» یاد کرده است. نک، همان، ۲۴۶-۲۴۷.

۲. منظور سلطنت ناصرالدین شاه است. محمدشاه در ۶ شوال ۱۲۶۴ درگذشت و ناصرالدین شاه ۲۱ ذیقعده همان سال در تهران بر تخت نشست.

ساله طایفه تکوری ایران و چوبقلو را که هر کدام یک بلوک معظم است، ضبط کرده مالیات می‌گیرند و با کمال آرام به نظم و نسق آنجاها مشغولند» (استناد وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۳۵۷).

باب عالی برای اطمینان از تحقق اهداف ترسیمی از سوی درویش‌پاشا، هم‌زمان با حرکت او از استانبول، با ارسال فرمانی به والیان ایالت‌های بغداد، موصل، ارزنه‌الروم و کردستان خواهان نهایت همکاری با او شده بود (Gencer, 2016: ix, Ateş, 2013: 145). گنجر می‌نویسد: باب عالی برای اینکه بتواند عشاير مرزی را تا پایان مأموریت درویش‌پاشا به ماندن در خاک عثمانی ترغیب کند، از نوامبر ۱۸۴۹ محرم ۱۲۶۶ برای هریک از خوانین عشاير مرزی حقوق و مقررات موقت تعیین کرد (Gencer, 2016: x).

باب عالی علاوه بر حمایت همه جانبه از نماینده خود، دست او را نیز در مذکرات کاملاً بازگذاشته بود، چنان‌که با موضع زیاده‌خواهانه و با طرح ادعاهای غیرمعقول و واهی و خیالات دلخواهانه و بدون دلیل، مذکرات را دچار وقفه و یا حتی شکست کند (نظام‌الملک، ۱۳۹۵: ۳۷۹؛ اسکوفیلد، ۱۳۸۹: ۲۷۹). او آشکارا به دنبال تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی دولت عثمانی بود؛ از جمله طرح ادعای مالکیت عثمانی بر بیشتر مناطق مورد اختلاف و حتی برخی مناطقی که اصولاً مورد مناقشه نبود (Ateş, 2013: 145).

۶. اشغال قطور و تعویق تشکیل کمیسیون تحديد حدود

در حالی‌که دولت ایران نماینده خود را برای شرکت در کمیسیون تحديد حدود راهی بغداد کرده

عملی خودسرانه نبود، بلکه در راستای اجرای سیاست تجاوز‌کارانه دولت متبع خود بود. این سیاست در پیش از سه دهه مذکرات چهارجانبه از سوی دولت عثمانی و نماینده آن، یعنی درویش‌پاشا ادامه یافت. اشغال قطور به تعبیر اسکوفیلد، تنها یکی از اقدامات متعدد یک‌جانبه او محسوب می‌شد (Schfield, 1989: 2/ xii).

اصولاً اشغال قطور برگی از سیاست تجاوز‌کارانه عثمانی بود که خیلی زود، آن هم پیش از شروع نخستین دور مذکرات کمیسیون تحديد حدود رو شد. هم‌زمانی تجاوز و اشغال با ادامه مذکرات، رویه ثابت دولت عثمانی طی شش دهه بود. صبری آتش می‌نویسد: این سیاست تا زمان اشغال شمال غرب ایران در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲ ادامه داشت (Ateş, 2013: 149). اشغال قطور اشتیاق درویش‌پاشا برای بازمهندسی اجتماعی - جغرافیایی مناطق مرزی را اشیاع نکرد و بنابراین، در صدد بود تا نواحی گردنشین سنتی‌مذهب ایران را نیز غصب کند؛ لذا، از راههای مختلف برای اغوای اهالی سنی‌نشین ایران به منظور پیوستن به عثمانی می‌کوشید. این سیاست تنها با شروع جنگ جهانی اول پایان یافت (Ibid).

درویش‌پاشا پیش از آغاز کمیسیون تحديد حدود، اقدام به اشغال قطور و آخرک کرد و در طول دوره سه ساله تحديد حدود، نقاط دیگری نیز به اشغال عثمانی درآمد. مشیرالدوله در ۱۱ ذی‌قعده ۱۲۶۸ که مصادف با روزهای پایانی مأموریت کمیسیون بود، طی نامه‌ای خطاب به صدراعظم نوشت: جاهایی که مباشرين عثمانی در این سه ساله ضبط کرده‌اند تنها منحصر به دره قطور نیست، «محال سطمانیس و شرفخانه و آخرک، ملک هزار

خطاب به وزرای مختار روسیه و انگلیس خواستار رفع تجاوز عثمانی به قطور و برداشتن سرباز و قراول از آنجا و نیز خراب کردن ستون احدائی درویش‌پاشا شد تا زمینه تشکیل کمیسیون فراهم گردد (فهرست اسناد مکمل، ۱۳۸۳: ۳۲۸).

اعتراضات مکرر دولت ایران به دولت‌های واسطه در عمل راه به جایی نبرد و تنها به تعویق زمان کمیسیون تحديد حدود منجر شد. نمایندگان چهار دولت حدود هشت ماه در بغداد ماندند و در نهایت بعد از تعهد دولت‌های واسطه، دولت ایران راضی به حضور مشیرالدوله در کمیسیون شد (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۶). میرزا محبعلی خان که سمت نیابت ریاست کمیسیون را بر عهده داشت درباره علت تصمیم دولت ایران می‌نویسد:

چون اول دولت بود و مأمورین دول واسطه پس از چندین سال زحمت تازه به سرحد جمع شده بودند که دواعی مناقشات دولتین را به کلی رفع و تحديد نمایند، دول واسطه دولت علیه را از مدافعت و طرد غصب به عبارت اخیر از تبدیل صلح به جنگ ممانعت نموده به وعده صریح استرداد قطور اطمینان داده ساكت کردند (نظام‌الملک، ۱۳۹۵: ۸۳).

مشیرالدوله سه سال بعد از اشغال قطور در نامه‌ای خطاب به درویش‌پاشا (۱۲۶۸ ربیع‌الاول ۲۷) درباره دلیل تصمیم آن روز ایران می‌نویسد:

اولیای دولت علیه ایران به ملاحظه اینکه در اول کار ایستادگی شایسته را موجب مقاصد کلیه ناشایست ننمایند و شوق خودشان را برای تمام شدن امر سرحد به عالمی معلوم سازند، رفع شدن این احداثات را اسباب معطلی امر اهم تحدید حدود قرار نداده به نوشته جنابان سفرای متوضیین

بود، به صورت غافلگیرانه با تجاوز عثمانی و اشغال بخشی از مناطق مرزی مواجه شد. دولت ایران در برابر این تجاوز آشکار راههای مختلفی می‌توانست در پیش‌گیری: توسل به زور که می‌توانست به جنگ منجر شود؛ تعلیق کار کمیسیون مشترک و فراخواندن نماینده خود که به تیرگی روابط و بی‌نتیجه ماندن کار کمیسیون منجر می‌شد؛ توسل به اقدامات سیاسی و دیپلماتیک برای اثبات تجاوز و اشغال قطور از سوی عثمانی به گونه‌ای که دولت‌های واسطه به صراحت آن را تأیید و برای رفع آن مساعدت کنند. از میان گزینه‌های مختلف، گزینه اخیر انتخاب شد. امیرکبیر باب مکاتبه انتقادی و اعتراضی را گشود. در نامه ۳ شعبان ۱۲۶۵ خطاب به دوالغارکی، وزیر مختار روسیه، نوشت:

در کدام دولت این قاعده جاری است که دولت هم‌جوار در عین صلح و آشتی بباید و ملک دیگر را با سرباز و آلات حرب بخواهد متصرف شود... امنی دولت واسطه در این باب چه می‌گویند و چه مصلحت می‌بینند؟ بدیهی است که هرگز راضی با نظر رفتار امنی دولت عثمانی نخواهد شد (فراهاد معتمد، ۱۳۲۶: ۴۹/۲).

امیر در ادامه، اشغال قطور را مانع شروع کار کمیسیون دانست و تصریح کرد:

میرزا جعفرخان به خدمتی که مأمور بود چگونه می‌تواند اقدام نماید تا دولت عثمانی قراول و سرباز را از قطور برندارد و علامتی که درویش‌پاشا ساخته است خراب نکند و ترضیه نخواهد (همان).

امیر همچنین در نامه ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۲۶۵ خطاب به دوالغارکی خواستار تخلیه قطور شد (همان: ۵۱). وزیر امور خارجه نیز در نامه ۲ شعبان ۱۲۶۵

قاعده و انصاف و حقائیق حق کامل داشتند که اقدام به امر سرحد نمایند تا آن احداث خلاف نص صریح عهدنامه بالکلیه رفع شود، باز بدون حرف به نوشته آن جنابان و اطمینانی که داده بودند که رفع این محدودرات بعد از ورود مأمورین به قطور به عمل خواهد آمد، اکتفا کرده به تحديد حدود با کمال اکراه، محض اصرار آن جنابان اقدام نموده پروتست کردند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۲۴۳).

استناد مختلف موجود حاکی است اولیای دولت ایران با مسئله اشغال قطور از سوی عثمانی با جدیت برخورد کرده و از همان آغاز از راه مسالمت‌آمیز به روش‌های سیاسی و دیپلماتیک تلاش کردند تا حقائیق ایران را ثابت و از نمایندگان دولت‌های واسطه بر غصیبیت قطور از سوی عثمانی مهر تأیید بگیرند و بعد از تعهد آنها برای استرداد قطور در کمیسیون تحديد حدود شرکت کردند.

۷. میرزا جعفرخان مشیرالدوله و اشغال قطور

بعد از تعهد نمایندگان واسطه به دولت ایران برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اشغال قطور، مشیرالدوله از سوی امیر دستور یافت در کمیسیون تحديد حدود شرکت کند. نخستین جلسه کمیسیون در ۱۴ ربیع الاول ۱۲۶۶ در محمّره تشکیل شد و در ۲۹ ذیقده ۱۲۶۸ در آغري داغ به کار خود پایان داد. اعضای کمیسیون دو سال و هشت ماه و پانزده روز به تحقیقات سرحدیه پرداختند. مشیرالدوله به عنوان نماینده ایران در کمیسیون نقش بسیار فعال و بر جسته‌ای در دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی ایران داشت. از دوران مأموریت وی به جز اثر

که رفع این محدودرات بعد از ورود مأمورین به قطور به عمل خواهد آمد، بعد از پوراتست رسمی اکتفا کردند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۱۱۴).

مشیرالدوله در نامه غرّه محرم ۱۲۶۸ خطاب به میرزا ابراهیم‌خان، مصلحت‌گذار بغداد، سخن از حُسن نیت ایران به میان آورد:

امنای دولت علیه ایران محض به ملاحظه صفا و موّدّت و یگانگی دو دولت درین خصوص‌ها آنقدر که لازم بود سفت نگرفتند و به صرف نظر گذرانیدند که البته بعد از ورود همه مأمورین به محل‌های مزبور احقق حق خواهد شد (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۶۶-۷۱).

وی در نامه دیگری به مأمورین واسطه باز به حُسن نیت ایران اشاره کرده می‌نویسد: امنای دولت ایران «خواستند که میل خودشان را به اتحاد و صفائ دولتین اسلام به کلّ دنیا ثابت کنند» (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۲).

میرزا آقاخان نوری، در مقام صدارت، در نامه ۱۰ جمادی الاول ۱۲۶۸ خطاب به وزرای مختار دولت‌های واسطه، شیل و دالگاورکی^۱، علت شرکت نماینده ایران در کمیسیون تحديد حدود را از روی «اکراه محض» و بنا به «اصرار آن جنابان» دانسته می‌نویسد:

اولیای این دولت علیه محض اصرار آن جنابان که وزرای مختار واسطه هستند و ملاحظه اینکه باعث تأخیر انجام امر حدود و سبب انتظار امر مأمورین دولتین واسطه نشود یا اینکه به مقتضای هر دلیل و

هیچ وجه به خلاف اسطاطسکو^۲ و نص قرارنامه ارزنهالروم امری ناشی نشده و نخواهد شد، بلکه از آن طرف در اول مأموریت آن جناب تنها بدون رفاقتی سایر مأمورین به بلوک قطور که ملک طلق و متصرف فیه دولت ایران بود با قشون داخل گشته و بلوک مزبوره را به خلاف حق و اسطاطسکو غصب و از ید تصرف مباشرین دولت علیه ایران متزع نمود و آنچه خواست در آنجا احداث کرد (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۱۳-۱۱۴).

موضع مشیرالدوله کاملاً درست و سنجدید بود. او از نخستین روز شروع کار کمیسیون تحديد حدود بر ضرورت مذاکرات بر محور عهدنامه ارزنهالروم پافشاری داشت و مفاد عهدنامه منعقده را تنها معیار و اساس گفتگو برای حل اختلافات دو طرف می-دانست، در حالی که درویش‌پاشا به روش‌های مختلف از این امر طفره می‌رفت. وی با پیش کشیدن ایضاحت اربعه که از دید دولت ایران غیرقانونی بود، تلاش می‌کرد مفاد عهدنامه را نادیده بگیرد. در این زمینه با مقاومت و استدلال منطقی مشیرالدوله مواجه شد، ولی طرفی نبست (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۲۸-۲۹)، لذا تلاش کرد شروع کار کمیسیون در محمره را مبنای اسطاطسکو قرار دهد و اشغال قطور را پایان‌یافته تلقی کند. مشیرالدوله در نامه ۱۲۶۷ به امیر او را در جریان ترفند نماینده عثمانی قرارداد: درویش‌پاشا «دایم اسطاطسکو را به روز ورود کمترینان به محمره متعلق و منظور می-نماید و ایراد وارد می‌آورد و حال آنکه مکرر نوشته شده

معروف «رساله تحقیقات سرحدیه»^۱ که بعد از پایان مأموریت به رشتہ تحریر درآمده است، بیش از سیصد نامه خطاب به دولتمردان ایران و نماینده‌گان دولت‌های واسطه باقی مانده که جزو استناد وزارت امور خارجه موجود است. آثار مكتوب باقی‌مانده از مشیرالدوله گویای آن است که وی از آغاز تا پایان مأموریت تحديد حدود به طور جدی پیگیر مسئله اشغال قطور بود. رشتہ اقدامات او گسترده است که تنها به اهم آنها اشاره می‌کنیم تا کارنامه عملکرد او به عنوان نماینده تام‌الاختیار ایران در مأموریت بسیار مهم تحديد حدود روشن شود.

مشیرالدوله در مذاکرات و مکاتبات خود بر غیرقانونی بودن اقدام درویش‌پاشا تأکید و آن را مغایر با قوانین بین دول می‌داند و بر حقانیت ایران پافشاری می‌کند. وی در نامه ۳۰۴ صفر ۱۲۶۸ به میرزا محمدعلی خان، وزیر امور خارجه، می‌نویسد: درویش‌پاشا محل قطور را که ملک طلق و در تصرف مباشرین دولت علیه بود به خلاف جمیع قرارداد دول ضبط کرد و هنوز هر طوری می-خواهند در آنجا دخل و تصرف می‌نمایند و گماشته می‌گذارند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۷۹).

مشیرالدوله در نامه‌های متعدد بر التزام ایران به قرارداد ارزنهالروم تأکید، و طرف مقابل را به نقض آن متهم می‌کند. در نامه ۲۸ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ به درویش‌پاشا می‌نویسد:

از طرف کارگزاران دولت علیه ایرانیه تا امروز به

۱. برای آگاهی از نقد چاپ این رساله، نک: منابع و مأخذ پایان مقاله.

۲. Statu quo به معنای حفظ وضع موجود یا مالکیت موجود است.

ناصرالدین شاه، به مشیرالدوله و به وزارت امور خارجه ارسال کرد (گزیده استناد سیاسی ...، ۱۳۶۹: ۱/ ۵۶۰؛ ۵۶۲-۵۶۳؛ ۵۶۵؛ ۵۶۷-۵۶۹؛ ۵۷۰-۵۷۲؛ ۵۷۴؛ ۵۷۶-۵۷۷).

گزارش مبسوط دیگری از شخصی به نام میرزا علی‌بیگ در دست است که از سوی حاکم خوی راهی ناحیه قطور شده «اوپایع سرحدیه را به چشم خود دیده و تفصیل اوپایع و احوالات عثمانلو را که در قطور و دو فرسخی خوی توقف دارند» را «از روی حقیقت بالقطع و اليقین» در ۱۵ محرم ۱۲۶۸ به آگاهی حاکم خوی رسانده است (استناد وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۲۳۹). این گزارش‌ها برای دولت مرکزی و نماینده آن در کمیسیون مفید بود. نشان می‌داد دولت ایران مسئله قطور را تمام شده تلقی نکرده و همچنان در پی یافتن راهی مسالمت-آمیز برای بیرون راندن عثمانی‌ها از این منطقه است.

۸. اقدامات دیپلماتیک دولتمردان ایران

از آغاز اشغال قطور دو صدراعظم ایران، امیرکبیر و میرزا آقاخان؛ وزیر امور خارجه، میرزا سعیدخان؛ و نیز میرزا جعفرخان، برای جلب نظر دولت‌های واسطه به منظور محکومیت اقدام درویش‌پاشا دست به اقدامات دیپلماتیک منظم و پیوسته زدند. نامه‌های متعددی در برده‌های مختلف زمانی خطاب به وزاری خارجه، وزرای مختار و نماینده‌گان واسطه ارسال شد. در تمام این نامه‌ها طرف ایرانی براساس اصول و موازین بین دول به اقدام غیرقانونی درویش‌پاشا اعتراض کردند و خواهان محکومیت آن از سوی دولت‌های واسطه شدند. این اقدامات دیپلماتیک موضوع اشغال قطور را به عنوان یک مسئله کلیدی در کانون توجه نماینده‌گان دولت‌های

است که موافق رسوم دول و عادت عقل باید حکم لفظ مزبور از حین انعقاد هر عهدنامه منظور شود، چه امکان دارد که صاحب یک سرحد بعد از امضای مصالحه از حدّ خود تجاوز کرده ملک صاحب سرحد دیگر را غصباً تصرف نماید؛ چنان‌که خود سرکار درویش‌پاشا در محال قطور و محمودی معمول داشته و حکم سلیمانیه در ملک کردستان بعد از امضا شدن قرارنامه چنین کرده‌اند. حالا باید به حکم اسطاطسکوی امروز آن املاک در تصرف آنها باقی بماند. بطلان این حکم به هر ذی-شعور مبین است» (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۶۱-۶۲).

مشیرالدوله در نامه ۱۳۶۸ ربیع الاول به نماینده‌گان واسطه درخصوص رعایت اسطاطسکو این‌گونه استدلال کرد:

به فرضِ محال اگر بلوک قطور و غیره بایست به دولت عثمانیه برسد، باز لازم و واجب بود که همه آن مکان‌ها به ملاحظه اسطاطسکو به هیئت و حالت سابقه خود تا حل شدن مسئله سرحد به تصدیق اولیای دول اربعه متحابه در تصرف مباشرين دولت علیه ایران بماند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۹۵-۹۶).

یکی دیگر از اقدامات مشیرالدوله در طول دوره تحقیقات سرحدیه زیر نظر داشتن منطقه اشغالی قطور بود. میرزا حسن‌خان مهندس که زیر نظر مشیرالدوله و اغلب دور از او در مناطق سرحدی آذربایجان مأموریت ترسیم نقشه را بر عهده داشت، در سال ۱۲۶۷ با «تبديل لباس» همراه با مشهدی علی‌اکبر تاجر به صورت مخفیانه مدتی در قطور سیر و سیاحت کرد تا وضعیت مناطق اشغالی را از نزدیک دیده و گزارش کند. او حاصل دیده‌ها و برداشت‌های خود را طی چند نامه خطاب به

دو سال بعد از شروع کار کمیسیون، انگلیسی‌ها با اتخاذ مواضع ضد و نقیض ماهیت رفتار خود در قبال اشغال قطور را روکردند. از پاسخی که امیر به نامه وزیر مختار انگلیس در ۱۲ ربیع‌الاول ۱۲۶۷ داده است، می‌توان به مواضع دو پهلوی انگلیسی‌ها پی برد. امیر نوشت:

اظهار داشته بودید که اولیای دولت بهیه اینگلیس هیچ وقت رسماً اعتراض به حقیقت ایران در باب قطور نکرده‌اند و هر منظوری که اظهار شده فقط شخصاً از خود آن جناب بوده است (آل داود، ۱۳۹۵: ۳۲۲).

امیر در پاسخ مفصل خود نکات مهمی را یادآورد: اولاً «ظهور حقیقت و تصرف دولت علیه ایران در باب قطور زیاده از آن است که جای تشکیک باشد.»، ثانیاً «اولیای دولت ایران که به این اعتراض منصفانه اولیای دولتين متوضطین در حقیقت خودشان مستمسک شدند، توجه به حُسن انصاف هر دو دولت قوی شوکت سنتیه بود»، ثالثاً «چشمداشت اولیای دولت علیه ایران از انصاف و حقانیت اولیای دولتين متوضطین این است که در امور مشکله امعان نظر و احقيق حق کرده همراهی نمایند تا از خاک این دولت علیه به غیر عدالت و انصاف به طور تعدی چیزی به تصرف غیر نیاید.» گذشته از اینها «بر عالمیان روشن است که قطور داخل خاک و ملک متصرّفی بالازع دولت ایران است، و دخلی به تحديد حدود به هیچ وجه ندارد» (همان). امیر در ادامه، نگرانی خود را از ادامه اشغال قطور و مشمول مرور زمان شدن این موضوع ابراز کرده می‌نویسد:

بعد از آنکه مأمور دولت عثمانی در همه جا داخل خاک این دولت قراول و مستحفظ گذاشت و

واسطه قرارداد. اتخاذ چنین سیاست معقول و منطقی از سوی ایران، توسط یکی از پژوهشگران ترک به غلط تفسیر شده است. سارقچی اوغلو مدعی است: چون دولت ایران خود راساً قادر به حل و فصل مسئله قطور نبود، تلاش می‌کرد تا با توصل به دولت‌های واسطه آنها را به طور پیوسته درگیر این مسئله کرده از قدرت و نفوذ آنها استفاده کند (Sarıkçıoğlu, 2013: 127).

سارقچی اوغلو به این نکته توجه نکرده که اشغال قطور درست در آستانه تشکیل کمیسیون مشترک تحديد حدود صورت گرفت. یعنی زمانی که نمایندگان واسطه بنا به مأموریت رسمی که داشتند می‌بايست در اختلافات دو طرف اعلان موضع می‌کردند. از این رو، از آغاز اشغال قطور بنا را بر محکومیت اقدام درویش‌پاشا گذاشتند. البته موضع‌گیری آنها بیشتر لفظی و در حد ارسال چند نامه در محکومیت اقدام نماینده عثمانی بود. چنین موضع‌گیری اگرچه از حیث سیاسی خوب بود، اما از نظر عملی راه به جایی نمی‌برد، زیرا هیچ تضمینی برای پایان اشغالگری عثمانی به‌جز قول و حرف در میان نبود. از طرفی، انگلیسی‌ها نسبت به روس‌ها مواضع شفاف و ثابتی نداشتند. اصولاً انگلیسی‌ها در مناقشات ایران و عثمانی، اغلب به عثمانی تمايل داشتند. هرگاه اقتضا می‌کرد به صراحة زیر قول و وعده خود می‌زدند. با اینکه در آغاز اشغال قطور و درست زمانی که این موضوع، مسئله تشکیل کمیسیون تحديد حدود را به حال تعليق درآورده بود، طرف انگلیسی اقدام عثمانی را محکوم کرد. اما

مأمورین آنجا وارد شوند، آن وقت میرزا تقی خان می‌توانست بگوید بسیار خوبست، اما باید یک نفر وکیل از طرف شما با یک نفر از طرف من به آنجا برود تجاوزات حالیه را با دقت بنویسن و التزام بگیرند که دیگر به هیچ وجه تا رسیدن مأمورین، امر تازه در آنجا حادث نکنند و مأمور تازه نیاورند. نمی‌دانم چرا نکرد؟ با وصف اینکه بالیوزهای دولتین متوضطین رفته‌اند، ولکن این تکلیف را نکردند (آرشیو وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۹۸).

از دید مشیرالدوله، مکاتبات امیر با نمایندگان واسطه وافی به مقصود نبود. زیرا «تنها گزارش را به وزرای مختار نوشتند چه فایده دارد؟» (همان). مشیرالدوله در ادامه، «بلدیت» میرزا محمدعلی خان نسبت به «قواعد فرنگستان» را شاهد گرفته می‌گوید: در همچو مقام‌ها در نوشته باید این‌گونه افعال را پوراتست نمود و به وزرای مختار تکلیف کرد که وکیل با وکیل شما روانه نمایند بروند و آنچه بینند صورت بردارند. گزارش را بدون کم و زیاد به اسلامبول قلمی نمایند. از باب عالی حکماً رفع اکثر آنها را طلب کنند و اقلًا باز نوشته قرار دهند که چیز تازه احداث نکنند (همان).

انتقاد مشیرالدوله به امیر دقیق و منطقی است، متنها این انتقاد به خود او نیز بر می‌گردد، زیرا او به عنوان نماینده دولت ایران عضو کمیسیون تحديد حدود بود و مسائل مربوط به حدود را از نزدیک دنبال می‌کرد و پیوسته نیز به مرکز گزارش می‌داد. او تنها سمت نمایندگی ایران در کمیسیون را نداشت، در حقیقت به مثابة مشاور و مطلع می‌توانست راهکار و پیشنهاد ارائه کند. ظاهراً خود او نیز همانند امیر به وعده‌های نمایندگان واسطه برای حل و فصل مسئله

عسکر نشانید و تصرف کرد، آیا چگونه به امید آن می‌توان نشست که بعد از تصرف و مرور زمان انتزاع حق و استرداد ملک به عمل خواهد آمد؟ (همان).

امیر در پایان نامه، بار دیگر موضوع اشغال قطور و مسئله تحديد حدود را دو امر کاملاً جدا از هم دانسته و عدم حصول نتیجه مطلوب در مسئله تحديد حدود را ناشی از ادامه اشغال قطور و مداخلات دولت عثمانی در «ملک طلق و صریح این دولت و غصب» آن می‌داند (همان).

۹. مشیرالدوله و نقد عملکرد امیرکبیر

مأموریت مشیرالدوله برای شرکت در کمیسیون تحديد حدود با نظر امیر بود. هر دو شناخت خوبی از هم داشتند. مشیرالدوله در نامه‌های مختلف خطاب به امیر و نیز به دولتمردان دیگر بارها از تعلق خاطر خود نسبت به امیر سخن به میان آورده است. با این همه، در برخی نامه‌ها، به ویژه در نامه‌هایی که بعد از درگذشت امیر نوشته است، با لحنی انتقادی عملکرد امیر را زیر سؤال برده است. از جمله در ۱۲۶۸ از نامه‌های مهم که در ۱۳ ربیع الاول نوشته از امیر با تعبیر «غیرمرحوم» یاد کرده و او را در مسئله قطور متهم به «اهمال» کرده است. او در بخشی از نامه مذکور اقدامات امیر در نوع برخورد با مسئله اشغال قطور را نادرست دانسته می‌نویسد:

اعتقاد مخلص اینست که رسیدن کار قطور و ماکو به این مقام از عدم انتقال و یا اهمال میرزا تقی خان شد، به علت آنکه در سال اول که این خبر رسید و وزرای مختار گفتند که قرار این کار بماند تا

طاهر افندی^۱ می‌گوید:

ما از طریق ارضروم و وان آمدیم. به قدری در راهها برف باریده بود که در روز دو ساعت بیشتر حرکت نکرده چند روزی هم در ارضروم و وان اقامت کردیم. از این رو، دیرتر از شما رسیدیم.

ویلیامز در جواب می‌گوید:

نه، این طور نیست، ما خبر داریم که شما از وان راهی قطور شده و به دلخواه خود تحدید حدود کرده‌اید. اما بدانید که با این اقدام کار را خراب کرده‌اید. (Aykun, 1995: 248).

امیر بعد از مکاتباتی که از آغاز اشغال قطور با نمایندگان دولتهای واسطه داشته درباره موضع آنها در شعبان ۱۲۶۵ به مشیرالدوله می‌نویسد:

الحق خود آنها اعتراف به خلاف کردن درویش‌پاشا دارند و صورت این ماجرا را ... هم به دولت خود، هم به دربار دولت علیه عثمانی نوشته‌اند و هم آدمی از سفارتخانه خود برای منع این حرکات خلاف نزد درویش‌پاشا فرستاده ... اعتقاد سفرا این است که درویش‌پاشا خلاف دستورالعمل خود مرتکب این عمل شده است، و عنقریب رجال آن دولت علیه ... حُسْنِیَّت خود را ظاهر خواهند ساخت (آدمیت، ۵۳۵: ۵۸۲).

موقع سفرای واسطه در محکومیت عمل درویش‌پاشا، موقع درست و سنجیده‌ای بود، اما مبراً دانستن دولت عثمانی از اقدام درویش‌پاشا یا از سر نادانی بود و یا جنبهٔ فربیکارانه داشت. گامازووف به درستی معتقد بود که اشغال قطور در استانبول با

اشغال قطور دلبسته بود و در انتظار آن بود تا در پایان تحقیقات حدود، دولت عثمانی به توصیه نمایندگان واسطه منطقهٔ قطور را به دولت ایران بازپس دهد. اکنون که مأموریت کمیسیون مشترک رو به پایان بود، نه تنها خبری از تخلیهٔ قطور نبود، بلکه بخش‌های دیگری از مناطق مرزی نیز از سوی عوامل عثمانی به تدریج به اشغال درآمده و کار بر ایران سخت‌تر شده بود. با این همه، اگرچه اقدامات سیاسی و دیپلماتیک امیر و مشیرالدوله در عمل زمینه استرداد قطور را فراهم نکرد، اما این مسئله را به یک چالش اساسی در روابط ایران و عثمانی تبدیل کرد و نمایندگان دولتهای واسطه را متوجه این نکته کرد که بدون رفع چالش مزبور، امیدی به حل و فصل نهایی اختلافات دو دولت ایران و عثمانی نباید داشت.

۱۰. موضع دولتهای واسطه

دولتهای واسطه از همان آغاز تصرف قطور از سوی دولت عثمانی در موضع‌گیری‌های خود بر حقانیت ایران در موضوع اشغال قطور صحه گذاشتند و بر غصبه بودن آن پای فشرنده. واکنش نمایندهٔ انگلیس به تأخیر درویش‌پاشا در ورود به بغداد در نوع خود جالب و نشان دهندهٔ محکومیت او در اشغال قطور است. ویلیامز می‌پرسد: اگرچه شما چند روز بعد از ما از استانبول حرکت کردید، اما چرا اینقدر دیر رسیدید؟ علت تأخیر شما چه بود؟

۱. در هیئت عثمانی، طاهر افندی به عنوان سرمهندس و قائم مقام در خدمت درویش‌پاشا بود.

و بسیار خوب رفتار نموده است، شما نیز حتی المقدور مواطن باشید که غفلت نشود» (همان: ۲۱۷).

اقدامات طرف ایرانی از آغاز اشغال قطور برای محکومیت آن از طرف دولتهای واسطه بی‌نتیجه نبود. دولت ایران به اقدامات دیپلماتیک و راههای مسالمت‌آمیز توسل جست و توانست نظر مثبت دولتهای واسطه را جلب و حقانیت خود را اثبات کند. سیاست فشار بر نمایندگان واسطه برای دفاع از حقانیت ایران ادامه یافت. کمیسیون تحديد حدود در ادامه تحقیقات سرحدیه در اوایل ۱۲۶۸ق وارد قطور شد. عوامل عثمانی حاضر در قطور، با شلیک توپ و تفنگ به استقبال اعضای کمیسیون رفتند. این امر بر مشیرالدوله بسیار گران آمد. او با طعنه و کنایه خطاب به نمایندگان واسطه تقریراً اظهار نمود: امروز مأموران دولت عثمانی احترام مأموران واسطه را به حدی بجا آوردند که از اوّل ورود سرحد تا حال هرچه قصوری از آنها صادر شده بود همه را تلافی شد، چرا که به صدای بلند توپ صاعقه خرام و آواز طبل و شیپور صفوں نظام به گوش شما و دول متحابه می‌رسانند که ما هرچه خلاف معاهده و خلاف قرار دول و مأموران واسطه را درین حدود به عمل آورده‌ایم هیچ‌گونه ملاحظه و خجالتی نداریم، شما زحمت کشیده صفا آورده‌اید و آنچه لازم بود درین خصوص بسط داده‌ایم.

نمایندگان واسطه در پاسخ، هر دو «انصاف کرده صراحةً تعهد نمودند که فتوای خودشان را درین باب در آخر سرحد، یعنی پس از اتمام تحقیقات لازمه نوشه» به مشیرالدوله دهنند (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۱۹۱).

اهداف مشخص طراحی شد و درویش‌پاشا مأمور اجرای آن گردید (اسکوفیلد، ۱۳۸۹: ۲۸۵).

نامهٔ دیگر از وزرای مختار دولتهای واسطه به تاریخ ۲۲ ذی‌حجه ۱۲۶۷ خطاب به امیر در دست است که در آن با موضع ایران همنوایی داشته می‌نویسد:

مراسلۀ آن جناب ... درباب ساختن قلعهٔ قطور به دوستداران رسید. دوستداران مضایقهٔ خواهند کرد که این شکایات امنی دولت ایران را به خاطر ایلچیان مقیم اسلامبول بیاورند و تقویتی که مستحق باشند به عمل خواهند آورد (استناد وزارت خارجه ایران، کتابچه سواد مکاتبات، ش ۱۸: ۲۳۵).

نسلرود، وزیر خارجه روسیه نیز خطاب به وزری مختار آن دولت در تهران، دالگاورکی، نوشت:

اینکه دولت علیه ایران حرکت درویش‌پاشا [را] رد و پُرُست نمودند، البته سزا بوده است و دولت ایران استحقاق این معنی را داشته است. زیرا که به ملاحظهٔ مضامین مندرجۀ در فصل سیم از فصول معاهدهٔ منعقدۀ در ارزنة‌الروم، دولت آل عثمان حق نداشته است که مرتكب چنین حرکتی شود، کوشش و سعی موسیو تی‌تف در ثبوت حقیقت دولت ایران و مخالف مأمور آل عثمان بسیار بجا بوده است و ما هم پسندیدیم (گزیده استناد سیاسی ...، ۱۳۶۹: ۲۱۶/۲).

نسلرود در ادامه به درستی از پاییندی ایران به عهdename منعقدۀ سخن می‌گوید و به این نکته توجه می‌دهد که دولت ایران «سعی نمایند که امری باعث نشود و کاری اتفاق نیفتد که دولت آل عثمان آن را بهانۀ خود قرار دهند و بگویند خلاف معاهده ارزنة‌الروم از دولت ایران واقع شده است. دولت ایران تا حال که حرکتی به خلاف عهdename و به خلاف قاعده نکرده است

دولت عثمانیه پس از انعقاد قرارنامه و همچنین در آیام غصب قطور از ملک ماکو غصب کرده‌اند به دولت ایران» واگذار گردد (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۲۰۷-۲۰۸).

نامه مشیرالدوله و پاسخ نمایندگان واسطه نشان می‌دهد که مسئله اشغال قطور تا آخرین روزهای مأموریت کمیسیون تحديد حدود در کانون توجه مشیرالدوله بود. او تمام تلاش خود را برای اثبات حقانیت ایران و محکومیت اقدام درویش‌پاشا به کار بست. استناد بهجا مانده از فعالیت‌ها و اقدامات مشیرالدوله در طول دوره تقریباً سه ساله تحديد حدود، حاکی از تلاش خستگی‌ناپذیر او برای تثبیت تمامیت ارضی ایران بود. اقدامات او پایه و اساسی شد برای دولتمردان دستگاه دیپلماسی ایران در دهه‌های بعد که بتوانند موضوع اشغال قطور را در مجامع بین‌المللی طرح و برای بازپس‌گیری آن اقدام کنند. رشته اقداماتی که در طول سه دهه (۱۲۶۵-۱۲۹۵) برای آزادی قطور از اشغال عثمانی انجام پذیرفت، سرانجام با تصمیم کنگره برلین به ثمر نشست.^۱

۱۱. نتیجه

در طول تاریخ روابط طولانی ایران و عثمانی، جنگ‌های متعددی به وقوع پیوست، و معاهدات مختلفی نیز منعقد شد. عهدنامه دوم ارزنه‌الروم (۱۶ جمادی‌الثانی / ۱۲۶۳ ۱ زوئن ۱۸۴۷) به مثابة نقطه عطف در روابط دو کشور به حساب می‌آید. به

۱. در این زمینه نگاه کنید به دو مقاله مسعود مرادی و افسانه منفرد.

کمیسیون تحديد حدود بعد از دو سال هشت ماه به آخرین نقطه مرزی، قریه بازرگان ماکو، رسید. مشیرالدوله درست دو روز پیش از متفرق شدن هیأت‌های نمایندگی و پایان دوران مأموریت اعضای کمیسیون بار دیگر در نامه‌ای رسمی (۱۲۶۸ ذیقعد) خطاب به نمایندگان واسطه، شرح مفصلی «درباب غصب قطور و توابع و سایر بی‌حسابی‌های مأموران عثمانی» نوشت و «جوابی از آنها که به مغضوب شدن قطور شهادت صریح» می‌داد دریافت داشت (مشیرالدوله، خطی، مجلس، ۲۰۰). مشیرالدوله در نامه خود بعد از مروری بر چگونگی غصب قطور و اقدام صرفاً اعتراضی ایران که بارها مورد تأیید نمایندگان واسطه قرار گرفته بود، این بار به صراحة درخواست کرد تا وضعیت مناطق اشغالی به حالت قبل بازگردد. وی خطاب به نمایندگان واسطه نوشت:

حالا که به آخر سرحد رسیده‌ایم به ابرام و اصرار ملاکلام حقاً و رسماً از آن جناب توقع می‌نماید که اولاً قراری دهنده که بلوکات مخصوصیه یک آن اقدام به حالت اولی راجع شود. فراری و عشاير مخصوص این دولت را تصاحب نکرده رد کنند (همان: ۲۰۴).

نمایندگان واسطه در ۲۵ ذیقعده ۱۲۶۸ در پاسخ نامه مشیرالدوله نامه مبسوطی نوشه به صراحة بر «غصیّت قطور» صحکه گذاشتند. آنها در این نامه، بنا به تحقیقات انجام شده، مناطق سرحدی دو دولت را بازگو و در چند جا بر ضرورت بازگرداندن مناطق غصیّی تأکید کردند: «تمامی دهات قطور» که از سوی عثمانی «غصب» شده به ایران واگذار گردد. همچنین «تمامی دهاتی را که به قول بلدۀای ماکوئی

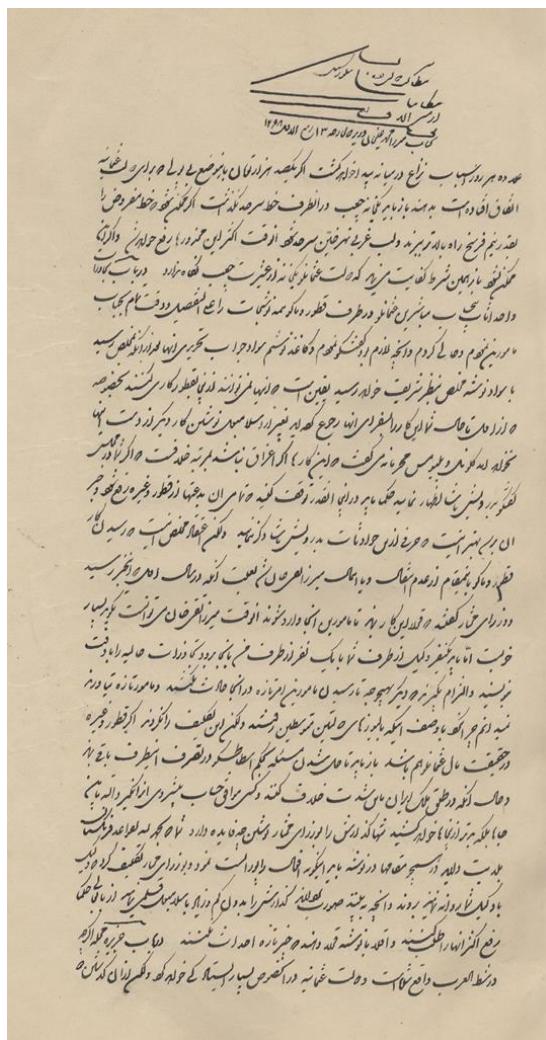
اقدامات مشیرالدوله در طول دوره تقریباً سه ساله تحديد حدود، حاکی از تلاش خستگی ناپذیر او برای تثیت تمامیت ارضی ایران بود. اقدامات او پایه و اساسی شد برای دولتمردان دستگاه دیپلماسی ایران در دهه‌های بعد که بتوانند موضوع اشغال قطور را در مجامع بین‌المللی طرح و برای بازپس‌گیری آن اقدام کنند. رشته اقداماتی که در طول سه دهه ۱۲۹۵-۱۲۶۵ق) برای آزادی قطور از اشغال عثمانی انجام پذیرفت، سرانجام با تصمیم کنگره برلین به ثمر نشست.

منابع

- آدمیت، فریدون (۲۵۳۵). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- آرشیو وزارت امور خارجه. *کتابچه سواد مکاتبات*. ش ۱۸.
- آل داود، سیدعلی (۱۳۹۵). *امیرکبیر و ناصرالدین شاه*. تهران: کتاب رایزن.
- اسکوفیلد، ریچارد (۱۳۸۹). «*تدقيق مرزها: تلاش‌های نیمة قرن نوزدهم برای نقشه‌برداری و علامت‌گذاری مرزهای ایران و عثمانی*». *جنگ و صلح در ایران دوره قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون*. زیر نظر رکسانه فرمانفرما میان. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۴). *مرآت‌البلدان*. به کوشش پرتو نوری علاء و محمدعلی سپانلو. تهران: اسفار.
- افضل‌الملک. *کراسه‌المعی*. نسخه خطی. ش ۹۴۵۲.
- کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- درویش‌پاشا (۱۳۹۷). *لایحه تحديد حدود ایران و عثمانی ۱۲۶۱-۱۲۶۶هجری قمری*. ترجمه از ترکی عثمانی: میرزا جهانگیرخان ناظم الملک مرندی یکانلو. تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی. تهران: طهوری.

موجب ماده سوم این عهدنامه، می‌بایست کمیسیون مشترکی از نمایندگان چهار دولت تشکیل گردد و با تحقیقات میدانی حدود دو کشور را تعیین نماید. هیئت عثمانی به ریاست درویش‌پاشا در راه مأموریت برای پیوست به کمیسیون تحديد حدود، پیش از رسیدن به بغداد، به قلمرو ایران تجاوز کرد و قطور را به اشغال درآورد. این منطقه از حیث موقعیت جغرافیایی و نیز از نظر راهبردی دارای اهمیت زیادی بود. اشغال قطور آشکارا مغایر با مفاد عهدنامه دوم ارزنه‌الروم بود، به همین دلیل دولت ایران اقدام تجاوز‌کارنۀ دولت عثمانی را به شدت محکوم کرد و حاضر به حضور نماینده خود در کمیسیون نشد، به همین دلیل تشکیل کمیسیون نزدیک به هشت ماه به تعویق افتاد و در نهایت با تعهد نمایندگان واسطه مبنی بر حل و فصل اشغال قطور، کمیسیون تشکیل و بعد از دو سال و هشت ماه به کار خود پایان داد. هم‌زمان با ادامه کار کمیسیون، دولتمردان ایران از راههای سیاسی و دیپلماتیک مسئله اشغال قطور را دنبال کردند. در این میان، میرزا جعفرخان مشیرالدوله به عنوان نماینده ایران در کمیسیون، در کنار فعالیت‌های مرتبط با تحديد حدود به صورت پیوسته پی‌گیر مسئله اشغال قطور بود. از وی نامه‌های مختلفی خطاب به نمایندگان واسطه و دیگران باقی مانده که هریک از آنها حکایت از تلاش‌ها و اقدامات او برای بازپس‌گیری قطور است. اقدامات سه ساله مشیرالدوله (۱۲۶۸-۱۲۶۵ق) موجب شد نمایندگان دولت‌های واسطه بارها اقدام درویش‌پاشا در اشغال قطور را محکوم کرده و بر حقایق ایران به صورت رسمی صحه بگذارند. استناد به جا مانده از فعالیت‌ها و

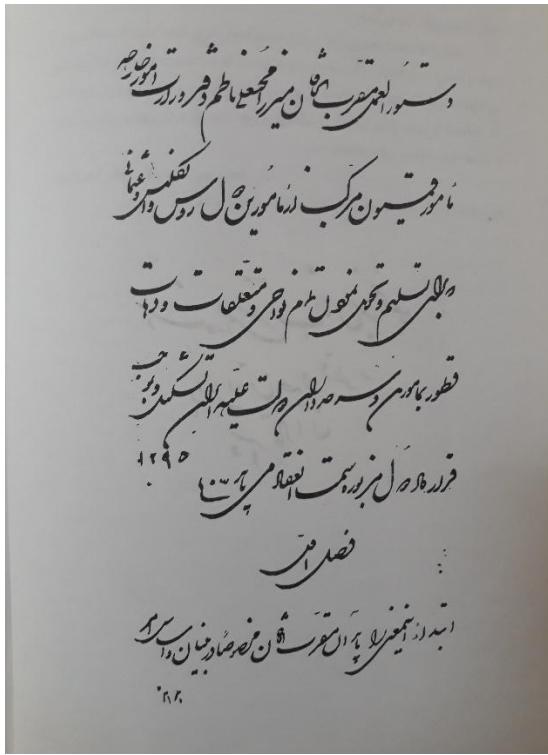
- ناظم‌الملک مرندی یکانلو، میرزا محبعلی‌خان (۱۳۹۵). *مجموعه رسائل و لوایح تحدید حدود ایران و عثمانی*. تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی. تهران: طهوری.
- ناظم‌الملک مرندی یکانلو، میرزا محبعلی‌خان (۱۳۹۶). *ملاحظات و محاکمات (دو لایحه در تحدید حدود ایران و عثمانی، ۱۲۹۲ قمری)*. تصحیح و پژوهش: نصرالله صالحی، تهران: طهوری.
- Ateş, Sabri (2013). *The Ottoman-Iranian borderlands: making a boundary 1843-1914*. Cambridge University Press.
- Aykun, İbrahim (1995). *Erzurum Konferansı (1843-1847) ve Osmanlı-İran Hudut Antlaşması*. Atatürk Üniversitesi. Sosyal Bilimler Enstitüsü Tarih Anabilim Dalı. Doktora Tezi. Erzurum.
- Hadd-i Hudud-ı İraniyeye Me'mûr: Dervîş Paşa'nın Lâyihası*, Çevrimiyazi: Fatih Gencer, Ankara, 2016.
- Sarıkçioğlu, Melike (2013). *Osmanlı-İran Hudut Sorunları (1847-1913)*. Ankara, Türk Tarih Kurumu.
- Schofield, Richard (ed.). *The Iran-Iraq Border (1840-1958), Efforts of Delimitation Commission and Preparation of Maps of Frontier Zone (1848-1873)*, Archive Editions, 1989, Vol. 2.
- Sıtkı Uluerler (2018), "Berlin Antlaşması'na Göre (1878) Osmanlı'nın İran'a Terk Ettiği Kotur'un Sınırları Meselesi", Bingöl Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, No. 8, Vol. 16 Autum, P. 171-145.
- Sıtkı Uluerler (2015). "Osmanlı-İran Sınır Tespiti Tartışmalarında Kotur'un Yeri (1849-1852)". *Turkish Studies*. Vol. 10/5 Spring. P. 329-356.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۸). *تاریخ خوی (سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی شهرهای ایران در طی قرون)*. تهران: توس.
- صالحی، نصرالله (۱۳۹۶). «واکاوی اقدامات درویش پاشا در نخستین کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی (۱۲۶۶-۱۲۶۸ق.)». *پژوهش‌های علوم تاریخ*. س. ۹. ش. ۲. پاییز و زمستان.
- صالحی، نصرالله (۱۳۹۷). «بررسی انتقادی چاپ "رسالة تحقیقات سرحدیه"». آینه میراث. س. ۱۶. ش. ۶۳. پاییز و زمستان.
- طاووسی، مسروپ؛ ساسان‌پور، فرزانه (۱۳۹۰). "خوی" دانشنامه جهان اسلام. ج. ۱۶. ص. ۵۰۸.
- فرهاد معتمد، محمود (۱۳۲۶). *سپهسالار اعظم، تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- فهرست اسناد مکمل قاجاریه (۱۳۸۳). جلد‌های ۵۴-۶۴. تهران: مرکز اسناد وزارت خارجه.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره قاجار (۱۳۶۹). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- مرادی، مسعود (۱۳۸۱). «دفاع از منافع ایران در کنگره برلن ۱۸۷۸»، نخستین همایش ایران‌شناسی، مقالات تاریخی و جغرافیایی، بنیاد ایران‌شناسی، تهران: ۴۶۶-۴۴۹.
- مشیرالدوله، میرزا جعفرخان، رساله تحقیقات سرحدیه. نسخه خطی. ش. ۲۷۷۵. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- منفرد، افسانه (۱۳۷۱). «کنگره برلین و مسئله بازپس‌گیری قطرو». *تحقیقات اسلامی*. س. ۷. بهار. ش. ۱. ص. ۴۶-۳۹.



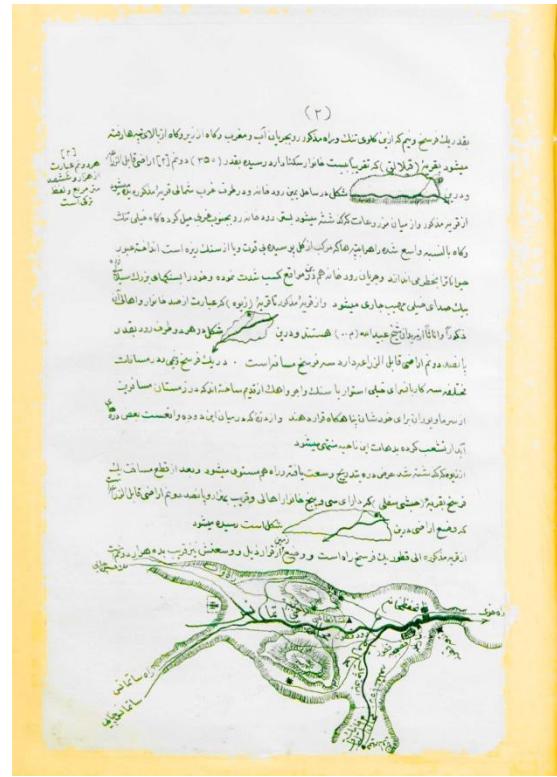
سواند مکاتبات وزارت خارجه شماره ۱۸، ص ۹۸



سواند مکاتبات وزارت خارجه شماره ۱۸، ص ۲



دستورالعمل میرزا محمد حبیب خان برای بازسیگیری قطور



کراسی المعی کتابخانه مجلس ۹۴۵۲